ابهامتی در برهان فرارابطه

[illegible]

۱.نسبت هویت غیبیه با مقام احدیّت

[illegible] [1]

[illegible] [2]

در مقام ذات و هویت غیبیه، اساساً امکان طرح و فرض چیزی نیست تا با آن رابطه داشته باشد، «**سقطت الاشیاء دون بلوغ امده**[3]» کما فی الصحیفة.

مقام احدیت؛مسبوق نه صادر

[illegible]

خیر، بالدقة مسبوق به هویت غیبیه هست ولی صادر وصفی نیست.

انتساب حقائق به هویت غیبیه

[illegible]

خیر، نیست، چون هیچ کدام در مقام ذات قابل طرح نیست، بلاتشبیه مثل اینکه وقتی میگوییم طبیعت صرف، قابل تعدد و تکرار نیست بگوییم آیا تعدد به عدد صحیح اقرب نیست به این طبیعت صرف نسبت به تعدّد به عدد کسری؟ وقتی تعدد در صرف، قابل طرح نیست پس فرقی بین مراتب طولی تعدد نیست تا بگویی یکی اقرب است به او از دیگری.

مرز بین خالق و مخلوق در هویت غیبیه

[illegible]

خیر، چون مخلوقی اساسا قابل طرح نیست تا با خالق متحد باشد، و این فرق عظیمی است.

سقطت الاشیاء دون بلوغ امده

[illegible] «[illegible]» [illegible]

أحسنت، و خلجان پس از استقرار و تمکن در ادراک مطلب، از بین میرود.

[illegible]

اذعان به واقعیت آن، به نحو **اشاره به غیب** است، نه به نحو **اشاره به مشارالیه** و ول عقلی.

۲.پرستش؛نسبتی با خالق

[illegible] «[illegible]»

معبود ما و همه، الله تبارک و تعالی است، در مقامی که عابد هست معبود هم هست، نظیر این که

اگر برعکس مختار صدرا[4] بگوییم ماهیت فوق جعل است، در مقام جعل که وجود و عدم ماهیت مطرح است یا موجود است و یا معدوم، اما در مقام فوق جعل که مقام ماهیت من حیث هی است جای طرح وجود و عدم نیست تا سؤال کنیم که ماهیت با وجود رابطه دارد یا با عدم، البته این مثال است و خیلی با مطلوب فرق دارد.

مقصود از «الله» ظاهرا مقام واحدیت است یا دست کم مقام احدیت. اما هویت غیبیه چه طور؟ «لا اله الا هو» مگر الوهیت را به افق هویت غیبیه نمی برد؟ اگر قرار است که عبودیت در هویت غیبیه راه نداشته باشد اصلا چرا بحثش را می کنیم. اگر اشاره هم بدان راه ندارد پس چرا از آن سخن می گوییم؟ آیا این بحثها بازی ذهن نیست؟ این هم که تشبیه فرمودید به فوق جعل، ذهن را قانع نمی کند. آن مرتبه فوق عبودیت است! خوب اگر چنین است ما برای چه سراغش رفته ایم. چرا او را از الله که باید عبودیتش کنیم برتر می نشانیم.

گاه با خود می گوییم آیا آنکه ائمه ع فرمودند لاتتفکروا فی ذات الله ویا لا تکلموا درباره فوق العرش، مصداقش همین بحث حقیر نیست؟ یعنی از طرفی ذهن نمی تواند آرام بگیرد و مطمئن شود و از طرفی هیچ راهی نمی یابد و در حیرت می ماند و چون مطمئن نشده شبهات الحادی به سویش هجوم می آورد.

محور، اوست، یعنی غیب ـ مطلق ـ حضورساز، و غنیّ ـ مطلق ـ فقیرساز، بلاتشبیه مثل جوهر که اگر سر و کار فقط با اعراض است چرا حرفش میزنیم؟ یعنی مقام **ذات** جوهر، نه مقام **سریان** جوهر در بستر اعراض، البته معلوم است این مثالها خیلی فرق میکند.

---

[1] الأحد:هو اسم الذات باعتبار انتقاء تعدد الصفات و الأسماء و النسب و التعيّنات عنها.

و الأحديّة:اعتبارها مع إسقاط الجميع.(اصطلاحات الصوفية ؛ ص11)

در فصل اول، دانستيم كه ذات اقدس خداوند، داراى صرافت واطلاق بوده واز هر نوع تعيّن مفهومى يا مصداقى حتى خود اطلاق، منزّه مىباشد؛ و چون اين، خود يك نحوه تعيّنى است كه همه تعيّنات را محو مىكند، و بساط همه كثرتها را در مىنوردد، نخستين اسم و اولين تعيّن خواهد بود؛ واين همان

مرحله موسوم به مقام احديّت است(رسائل توحيدى ؛ ص42)

نخستين مرتبه از ظهور و تجلى ذات غيرمتناهى خداوند، ظهور علمى او در حيطه علم الهى با نام «تعين اول» است. اگر بخواهيم با بيانى ساده، حقيقت تعين اول را تبيين نماييم، بايد بگوييم: در پى مرتبه ذات حق، علم حضورى خداوند به خودش كه قدرت و قامت يكپارچه و بينهايت خود را مى‌نگرد، اين خودآگاهى، اولين تعين پس از مرتبه ذات است كه سرسلسله تعينات پسين خواهد بود.

تعين اول به لحاظ اعتبارات مختلف، نامهاى متعدد ديگرى مثل تجلى اول، هويت مطلقه، وحدت ذاتيه، احديت، احديت جمع، مقام جمع، مقام جمع‌الجمع، حقيقة الحقائق، برزخ اكبر، طامة كبرى، قابل اول، غيب اول، نسبت علميه، حقيقت محمديه و مقام أدنى دارد. (حكمت عرفانى؛ تحريرى از درسهاى عرفان نظرى استاد سيد يدالله يزدانپناه صفحه ۳۵۷)

[2] اشكال مكتوب تلميذ

[3] و استعلى ملكك علوا سقطت الأشياء دون بلوغ أمده(الصحيفة السجادية ؛ ص146)

[4] صدرا،ماهيت را دون الجعل مى داند:ثم ال يختلجن في وهمك أنهم لما أخرجوا الماهية عن حيز الجعل فقد ألحقوها بواجب الوجود و جعلوها إليه في الاستغناء عن العلة لأن الماهية إنما كانت غير مجعولة لأنها دون الجعل لأن الجعل يقتضي تحصيلا ما و هي في أنها ماهية لا تحصل لها أصلا أ لا ترى أنها متى تحصلت بوجه من الوجوه و لو بأنها غير متحصلة كانت مربوطة إلى العلة حينئذ لأن الممكن متعلق بالعلة وجودا و عدما(الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة، جلد: ۱، صفحه: ۴۲۱)

بازبينى #1
ايجاد شده 8 ژوئن 2025 16:31:01 توسط ... .
به روزرسانى شده 8 ژوئن 2025 16:31:45 توسط ... .